

علویان طبرستان

دکتر موسی الرضا بخشی استاد

مدرس دانشگاه فرهنگیان نسیبه (تهران)

اشاره

باران فراوان و خاک حاصلخیز موجبات فراوانی نعمت و رونق کشاورزی و گسترده‌گی مزارع و مراتع را در این منطقه فراهم آورده بود؛ چنان‌که مزارع و دهکده‌هایش به هم متصل بودند (ابن رسته، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در دورانی که کشاورزی رکن اول اقتصاد در جوامع محسوب می‌شد، محصولات کشاورزی طبرستان نسبت به مناطق دیگر ایران از کثرت و تنوع بیشتری برخوردار بود و مردم این خطه نه تنها به محصولات مناطق دیگر نیاز نداشتند، بلکه بخشی از محصولاتشان را به مناطق دیگر صادر می‌کردند. بدون شك این غنا و استقلال اقتصادی عاملی مهم در به وجود آمدن حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل به‌ویژه علویان طبرستان در این منطقه بوده است. گویا با سقوط ساسانیان اقتصاد طبرستان نیز رونق بیشتری یافت؛ زیرا عدم توانایی فتح این ولایت به وسیله اعراب مسلمان، آن را به ولایتی مستقل تبدیل کرده بود (ابن اسفندیار، بی تا: ۷۷).

از نظر سیاسی طبرستان به لحاظ ارتباط اندک با سایر جوامع و محصور بودن با کوه و دریا کمتر از سایر مناطقی همچون خراسان در مناقشات سیاسی نقش داشت و وضعیت نسبتاً پایداری را می‌گذراند. به‌طور کلی می‌توان گفت، طبرستان در انزوای سیاسی به سر می‌برد و از سرزمین‌های اطراف خود کمتر تأثیر می‌پذیرفت و بر آن‌ها نیز تأثیر اندک می‌گذاشت (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

در دوره ساسانیان، طبرستان به صورت ملوک الطوائفی و

حکومت علویان طبرستان اولین تجربه حکومت شیعی در ایران بود، که در سال ۲۵۰ هجری قمری در کرانه‌های دریای خزر تأسیس شد. در این نوشتار تلاش شده است با استناد به منابع تاریخی، زمینه‌ها و عوامل ظهور حکومت علویان طبرستان از نظر جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی بررسی شود. علویان با استفاده از زمینه‌های مساعد جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی توانستند، نخستین حکومت مستقل شیعی را در طبرستان تشکیل دهند؛ دولتی که از يك قیام روستایی آغاز شد و به حاکمیت سادات علوی در خطه طبرستان منجر گردید و تا سال ۳۱۶ قمری تداوم یافت و باعث تحولات گوناگونی در این منطقه گردید.

کلیدواژه‌ها: طبرستان، علویان، زیدیه، داعی کبیر.

مقدمه

طبرستان از نظر جغرافیایی و اقتصادی با سایر نقاط ایران تفاوت‌های فراوانی دارد؛ وجود کوه‌های بلند، جنگل‌های انبوه، باتلاق‌های فراوان و راه‌های تنگ و باریک و سایر استحکامات طبیعی همواره این منطقه را مورد توجه و پناه‌گاه سران سرکش و اشخاص داعیه‌پرور و ارباب دعوت قرار داده بود. با توجه به این ویژگی‌ها، طبرستان در طول تاریخ سرچشمه جریانات و حوادث مهمی بوده است. از نظر اقتصادی نیز شرایط طبرستان ممتاز بود، شرایط اقلیمی مناسب،



علویان یحیی بن عبدالله بن حسن بود که در دوره هارون الرشید از عراق گریخت و به حاشیه جنوبی دریای خزر و طبرستان پناه برد و مورد استقبال اعیان و اشراف محلی قرار گرفت (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۶، ۱۲۵). شهادت امام رضا (ع) از عواملی بود که مهاجرت علویان را به طبرستان تسریع کرد؛ زیرا هنگام ولایتعهدی امام رضا (ع) شماری از علویان به‌ویژه از شهر مدینه عازم خراسان گشتند، پس از شهادت امام رضا (ع) عده‌ای مورد تعقیب قرار گرفتند، تعدادی از آنان به شهادت رسیدند و بعضی به کوهستان‌های طبرستان پناه بردند و آنجا سکونت گزیدند (آملی، ۱۳۸۴: ۸۴). در دوره خلافت متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ق.) با توجه به شرایط بسیار دشواری که برای علویان ایجاد کرد، مهاجرت علویان به طبرستان شتاب بیشتری یافت. بعد از سرکوبی قیام یحیی بن عمر حسنی در سال ۲۴۹ قمری در کوفه بسیاری از علویانی که در قیام او شرکت داشتند به طبرستان پناه جستند (ابن طقطقی، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

حضور روزافزون علویان در طبرستان تا نیمه قرن سوم هجری به تدریج در افکار و اذهان مردم این منطقه تأثیر گذاشت و مقدمات تحولات عمده‌ای را در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی طبرستان فراهم ساخت.

شکل‌گیری نهضت

سرچشمه ظهور حکومت علویان طبرستان، به يك قیام روستایی باز می‌گردد که علت اصلی آن ظلم و ستم عمال طاهری [سلسله طاهریان] بر مردم طبرستان بود، به حدی که آنان را به ستوه

تحت حکومت اسپهبدان اداره می‌شد و حاکمان آن تقریباً فرمانروایان مستقلی بودند، هر چند از نظر ظاهری فرمانبردار حکومت ساسانیان بودند؛ دلیل آن این بود که ساسانیان می‌دانستند طبرستان را نمی‌توان به‌صورت مستقیم اداره کرد. یاقوت می‌نویسد: «پادشاهان ایران کسی را به‌عنوان اسپهبد در طبرستان حاکم می‌کردند و او عزل نمی‌شد و پس از او حکومت به فرزندش می‌رسید» (یاقوت حموی، ۱۹۷۵: ج ۴، ۱۵). تا نیمه قرن دوم قمری هنوز بر سکه‌هایی که در طبرستان ضرب می‌شد، خط پهلوی نقش بود و مردم آن سرزمین بر دین زرتشت بودند. ویژگی‌های یاد شده، موجبات استقلال نسبی طبرستان را از روزگاران کهن فراهم آورده بود، چنان که هر گاه حکومت مرکزی در ایران ضعیف می‌شد، حکام طبرستان به صورت واحد سیاسی مستقل عمل می‌کردند و مشکلات بسیاری برای حکومت مرکزی فراهم می‌آوردند (ترکمنی آذر، همان جا). این عوامل، طبرستان را به منطقه‌ای مناسب برای کسانی تبدیل کرد که به‌نحوی با حکومت مرکزی اختلاف داشتند یا تحت تعقیب آنان بودند.

مهاجرت علویان به طبرستان

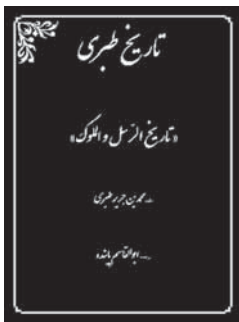
در دوران خلفای اموی و عباسی، علویان یکی از جریان‌های معارض با آنان بودند. هنگامی که علویان در معرض آماج حملات امویان و عباسیان قرار می‌گرفتند، طبرستان از مناطقی بود که به آن پناه می‌جستند. مهاجرت تدریجی علویان به این منطقه زمینه نضج گرفتن حبّ آل علی را در این منطقه فراهم آورد. یکی از معروف‌ترین این

تاریخ طبرستان

ابن اسفندیار

در کتاب بلاد طبرستان تا استقلال آن پناه
به صاحب شاهی اصفهان
به تقی‌میرزا محمد رفیعیان

تیرماه ۱۳۸۶ / ۲۰۰۷



اشتباه بزرگ جابر بن هارون این بود که به زمین‌های اقطاعی بسنده نکرد و این ناحیه را نیز تصرف کرد (صابی، ۱۹۷۵: ۱۹). این کار، خشم شدید مردم را به همراه داشت و پسران رستم که زمین‌های خود را از دست داده بودند، این فرصت را مغتنم شمردند و با استفاده از این ناراضی‌تی، مردم را به شورش علیه جابر بن هارون برانگیختند. جابر نزد سلیمان بن عبدالله گریخت. پسران رستم که در خود توان مقاومت در برابر طاهریان را نمی‌دیدند علاوه بر درخواست کمک از دیلمیان برای تنظیم امور خویش، و شاید برای به‌دست آوردن حمایت بیشتر مردم، درصدد برآمدند یکی از بزرگان علوی را به رهبری نهضت خود انتخاب کنند. توجه به علویان همان‌طور که گفته شد به سابقه حضور آن‌ها در منطقه باز می‌گشت. حسن سلوک، زهد، تقوا و تلاش بی‌وقفه ایشان تأثیر قابل ملاحظه‌ای در مردم ایجاد کرده بود. بنابراین جمعی از مردم به همراه پسران رستم نزد **محمد بن ابراهیم علوی** که در طبرستان [کجور] ساکن بود، رفتند و از او درخواست کردند رهبری آنان را بر عهده گیرد. او این دعوت را نپذیرفت اما داماد خویش، **حسن بن زید علوی** را که در ری ساکن بود به آنان معرفی کرد و گفت، او مردی شجاع، عالم و با تجربه است، حسن بن زید دعوت آنان را پذیرفت (ابن اسفندیار، بی تا: ۲۲۸).

حسن بن زید ملقب به **داعی کبیر**^۲ در رمضان سال ۲۵۰ قمری به کلار وارد شد و سران و امرای محلی با او به اقامه کتاب خدا و سنت رسول خدا و امر به معروف و نهی از منکر بیعت کردند (همو، بی تا: ۲۲۹). تا پیش از ورود داعی کبیر به منطقه، اجتماعات اولیه نهضت بیشتر به منظور مقابله با حملات احتمالی عمال طاهری بود، ولی رهبری نهضت از همان روز نخست جهت دینی به آن داد و هدف نهضت را مشخص نمود. داعی کبیر در شوال سال ۲۵۰ قمری آمل را به تصرف درآورد (طبری، پیشین، ۱۳۸: ۶). آن‌گاه در بیرون از شهر ساری نیز با سپاه سلیمان بن عبدالله و محمد بن اوس روبه‌رو شد، آن‌ها را شکست داد و برآنجا نیز مسلط شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۲). حسن بن زید برای گسترش نهضت، مبلغان و داعیانی به شهرها و روستاهای اطراف فرستاد و فرمان‌های مذهبی به همه ممالک طبرستان صادر کرد؛ از جمله اینکه «به بانگ اذان خیر العمل گویند و به نمازها بسم الله را به جهر خوانند» داعی با این کارها قصد داشت تشیع زیدی^۳ را در طبرستان ترویج کند (ابن اسفندیار، بی تا: ۲۳۹).

آورده بود. مقارن این دوران، محمد بن اوس، قدرت را در طبرستان در دست داشت.^۱ او پسران خود را که کم‌سن و بی تجربه بودند به حکمرانی بلاد طبرستان گماشت و آنان با ظلم و ستم خود، باعث رنجش و تحریک ساکنان این نواحی گشتند، به حدی که مردم از آن‌ها متنفر شده و به ستوه آمدند (طبری: ۱۳۵۴: ج ۱۴، ۶۱۳۵)؛ مردم طبرستان برای رهایی از آن‌ها به سادات پناه جستند و از آنان کمک خواستند. سیدظهیرالدین مرعشی می‌نویسد: «ظلم محمد بن اوس در طبرستان از حد گذشته بود و مردم پناه به عدل سادات می‌جستند» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۸).

پناه جستن مردم طبرستان به سادات را می‌توان در شاخص‌ترین ویژگی‌های علی (ع) و آل علی، یعنی **دشمنی با اشراف و ثروتمندان ظالم** و عدم تحمل رنج و ستم بر انسان‌های مظلوم دانست. این ویژگی‌ها توجه مردم مظلوم و ستم‌دیده طبرستان را به علویان جلب کرد تا شاید به وسیله آنان از ستم عوامل طاهری رهایی یابند. واقعه‌ای که سبب تحریک بیشتر مردم طبرستان گردید، حمله محمد بن اوس به مردم دیلم و کشتار و زخمی کردن بسیاری از آن‌ها بود که علاوه بر دشمنی مردم دیلم، سبب خشم مردم طبرستان نیز گردید؛ زیرا آن‌ها با مردم دیلم روابط دوستانه‌ای داشتند (طبری، همان جا). این عوامل طبرستان را به یک انبار باروت تبدیل کرده بود که هر لحظه ممکن بود با جرقه‌ای به انفجار تبدیل شود؛ این جرقه هنگامی رخ داد که محمد بن عبدالله طاهری، قیام یحیی بن عمر را در کوفه سرکوب کرد و خلیفه به پاس این خدمت تیول‌هایی به او داد که از جمله منطقه‌ای واقع میان کلار و چالوس بود. محمد بن عبدالله طاهری نایب خود، جابر بن هارون نصرانی را برای تصرف زمین‌های اقطاعی به طبرستان فرستاد. او زمین‌های بین کلار و چالوس را تصرف کرد که بخشی از قلمرو پادوسپانیان بود و توسط محمد و جعفر پسران رستم اداره می‌شد که به شجاعت و احسان شهره بودند و در منطقه نفوذ و احترام داشتند و مورد اطاعت مردم بودند. پسران رستم به این کار جابر اعتراض داشتند اما قدرت مقابله با عوامل طاهری را نداشتند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۳۱).

ناحیه‌ای در مجاورت این اقطاع بود که در مالکیت کسی نبود و مردم از آن بسیار بهره می‌بردند؛ از آن‌جا هیزم تهیه می‌کردند، گوسفندان و چارپایان خود را در آن رها می‌کردند.

علت اصلی تشکیل حکومت علویان طبرستان، رهایی مردم از ظلم و ستم والیان طاهری بود که زندگانی را بر مردم سخت کرده بودند

یکی از عوامل موفقیت داعی، توجه به افکار عمومی و جلب رضایت عامه مردم بود. برای نمونه داعی کبیر هنگام تسلط بر آمل مردم را در انتخاب حاکم مورد نظر خود آزاد گذاشت (همان، ۲۳۰). چنان که ملاحظه می شود علت اصلی تشکیل حکومت علویان طبرستان، رهایی مردم از ظلم و ستم والیان طاهری بود که زندگانی را بر مردم سخت کرده بودند؛ عاملی که در طول تاریخ بارها سبب ظهور و سقوط حکومت‌ها گردیده است و این گفته منسوب به رسول خدا (ص) را به یاد می آورد که: «الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم». بنابراین نمی توان، ضدیت با نژاد عرب را عامل اصلی این قیام دانست و آن را قیامی برای زنده کردن شوکت گذشته ایران دانست؛ زیرا مردم طبرستان برای رهبری نهضت خود، از علویان دعوت کردند که عرب نژاد بودند و نقطه مشترک آن‌ها ضدیت با خلافت عباسی بود. ابن اسفندیار در این باره می گوید: «حسن بن زید هر آفریده را که هوادار سیاه جامگان [عباسیان] بود به عقوبات می کشت و ملامت‌ها می کرد.» (همان، ۲۴۲) هر چند، نمی توان احساسات ضد عربی در طبرستان را مانند سایر بلاد ایران نادیده انگاشت، با این حال نمی توان این نهضت را قیامی ضد عربی دانست.

یکی از عوامل پایداری نهضت علویان و عدم زوال آن در همان ابتدا، اوضاع آشفته دربار عباسی به دلیل تسلط ترکان بر امور خلافت و شورش‌های متعدد آنان بود که باعث گسیختگی امور گردیده بود. چه بسا اگر آشفتگی اوضاع خلافت عباسی نبود، حکومت علوی طبرستان تداوم نمی یافت؛ چنان که در سال ۲۵۵ قمری، معتز خلیفه عباسی، لشکری عظیم به فرماندهی «مفلح» و «موسی بن بغا» به سرکوبی علویان طبرستان فرستاد و حسن بن زید که توان مقابله نداشت به دیلم گریخت، مفلح ساری و آمل را نیز تصرف کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۰۳-۲۰۴). اما آشفتگی اوضاع خلافت عباسی و مرگ معتز در سال ۲۵۵ قمری، مفلح را که می رفت طومار حکومت علویان را در هم پیچد، مجبور به بازگشت کرد و بار دیگر حسن بن زید زمام امور طبرستان را به دست گرفت و از این فرصت استفاده کرد و در رمضان ۲۵۶

قمری ری را نیز اشغال نمود، پس از آن به گرگان نیز حمله برد و به رغم تلاش محمد بن طاهر، گرگان نیز به تصرف حسن بن زید درآمد (همان، ۲۴۸). البته موسی بن بغا در سال ۲۵۸ قمری، ری را پس گرفت و داعی دیگر نتوانست بر ری دست یابد. در این دوره، در شرق ایران حادثه مهمی رخ داد و آن سقوط طاهریان به دست یعقوب لیث صفار در سال ۲۵۹ قمری بود که علویان را با رقیبی نیرومند مواجه کرد. یعقوب به گرگان یورش برد و با در هم شکستن مقاومت‌های داعی تا آمل پیشروی کرد اما در نهایت موفق نشد؛ زیرا مردم طبرستان خواهان نیروهای سنی مذهب صفاری نبودند و با حملات چریکی به مقرشان آن‌ها را از پای درآوردند. البته اوضاع بد جوئی و باران‌های شدید نیز مزید بر علت گشت و یعقوب را مجبور به بازگشت کرد (همان، ۲۶۰). یعقوب خسارت‌های جبران‌ناپذیری به طبرستان وارد کرد، هر چند خود نیز دچار صدمات فراوانی شد. حسن بن زید درگیری‌هایی نیز با برخی امرای محلی چون باوندیان داشت که گاهی دست به عصیان می زدند (آملی، ۱۳۴۸: ۹۷). سرانجام حسن بن زید در سال ۲۷۰ قمری در بستر بیماری درگذشت (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۷: ۴۰۷).

بعد از حسن بن زید برادرش محمد بن زید جانشین او گردید. داعی کبیر در دوره حیاتش، به دلیل سابقه محمد بن زید در امر نهضت و مقام شامخ علمی و اخلاقی او، از مردم برای وی بیعت گرفت. عمارت مشاهده علی (ع) و امام حسین (ع) از جمله کارهای مهم محمد بن زید در دوره حکومتش بود (ابن خلدون، ۱۹۸۱، ج ۳: ۳۲۲). در سال ۲۸۷ قمری تحولی مهمی در شرق ایران رخ داد و سامانیان حکومت صفاریان را ساقط کردند و امیر اسماعیل سامانی منشور حکومت خراسان و سیستان و ری و اصفهان را از خلیفه ستاند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۰۱). امیر سامانی سپاهی به فرماندهی یحیی بن هارون، برای تصرف طبرستان گسیل داشت. محمد به مقابله پرداخت و هر چند در ابتدا پیروزی‌هایی به دست آورد، ولی سرانجام از یحیی بن هارون شکست خورد و کشته شد و طبرستان به دست سامانیان افتاد.

↓ سکه های دوره علویان



شهادت امام رضا (ع)
 از عواملی بود که
 مهاجرت علویان را
 به طبرستان تسریع
 کرد؛ زیرا هنگام
 ولایتعهدی امام
 رضا (ع) شماری از
 علویان به ویژه از شهر
 مدینه عازم خراسان
 گشتند، پس از
 شهادت امام رضا (ع)
 عده‌ای مورد تعقیب
 قرار گرفتند، تعدادی
 از آنان به شهادت
 رسیدند و بعضی
 به کوهستان‌های
 طبرستان پناه بردند
 و آنجا سکونت
 گزیدند

↓ سکه‌های دوره علویان



پی‌نوشت‌ها

۱. والی طبرستان در این دوران سلیمان بن عبدالله نائب محمد بن طاهر طاهری بود اما کارها همه به دست محمد بن اوس بود که بر سلیمان بن عبدالله نفوذ زیادی داشت (ابن مسکویه: ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۳).
۲. داعی در اصطلاح فرقه زیدیه به شخصیت‌های بزرگ غیر از امامان زیدی گفته می‌شود که مردم را به رضای آل محمد دعوت کند. شرایط داعی همانند امام، داشتن علم، شجاعت، تقوا و حسن سابقه است. فرقه زیدیه به واسطه دعوت توانست در دورترین نقاط از جمله طبرستان نفوذ نماید (فضیلت الشامی، ۱۳۷۶: ۲۰۴).
۳. فرقه زیدیه، منبعث از زید بن علی بن حسین (ع) است که به هنگام خلافت هشتمین عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ ق.) بر او خروج کرد و به دست او کشته شد. علی را بر سایر اصحاب پیامبر برتری می‌داد با این همه بر خلافت ابوبکر و عمر گردن می‌نهاد و می‌پنداشت که تنها علیه فرمانروایان ستمگر باید قیام کرد. زیدیان عموماً هواداران و مبلغان افکار وی هستند که پس از قتل وی در نواحی مختلف از جمله طبرستان به موازات اشاعه دین اسلام به تبلیغ عقاید زیدیه پرداختند (الاشعری، ۱۹۵۰: ۱۲۹).

منابع

- آملی، مولانا اولیاء الله. تاریخ رویان. تصحیح منوچهر ستوده، تهران، انتشارات فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ ش.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس، بی تا.
- ابن اثیر، عزالدین. الکامل فی التاریخ. بیروت، دارصادر، ۱۹۶۵م/۱۳۸۵ق.
- ابن خلدون، عبد الرحمان. تاریخ ابن خلدون. بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- ابن رسته، احمد بن عمر. الاعلاق النفیسه. ترجمه و تعلیق حسین قرچانلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
- ابن طلقطی، محمد بن علی بن طباطبا. الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیه. بیروت: دار صا، ۱۳۸۶ق/۱۹۹۶م.
- ابن مسکویه، احمد بن علی. تجارب الامم. تحقیق ابوالقاسم امامی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶ ش. ۱۹۹۷م.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین. تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۹۵۰ م.
- اصفهانی، حمزه. تاریخ سنی الملوك الارض و الانبیا. برلین، چاپخانه کاپوانی، بی تا.
- ترکمنی آذر، پروین، و صالح پرگاری. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان. تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
- خضری، احمد رضا. تاریخ خلافت عباسی. تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸ ش.
- الشامی، فضیلت. تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری. ترجمه سید محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷ ش.
- صابی، ابراهیم بن هلال. «التاجی فی اخبار الدولة الدلیمیه». به کوشش ویلفرد مادلونگ، بیروت، ۱۹۸۷م.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ ش.
- مرعشی، میرسید ظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به کوشش محمد حسین تسبیحی، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵ ش.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین. معجم البلدان. بیروت، دارصادر، ۱۹۷۵م.

محمد بن زید حدود ۱۸ سال بر طبرستان حکم راند (اصفهانی، بی تا، ۱۵۲). در این مدت وی نتوانست در امر رهبری سیاسی و مذهبی مردم طبرستان همچون برادرش حسن بن زید توفیق به دست آورد و لذا به طور کلی شور مذهبی در زمان او کاهش یافت و انگیزه دینی برای دفاع از حکومت در میان مردم روند نزولی گرفت، که یکی از عوامل سقوط محمد را در همین امر باید جست‌وجو کرد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۴: ۱۴۵). تا سال ۳۰۱ قمری طبرستان همچنان در دست سامانیان بود تا اینکه یکی دیگر از علویان به نام **حسن بن علی أطروش** در دیلم ظهور کرد و مردم را به امامت خود فراخواند. او پس از نبردی سنگین، دست نشانگان سامانیان را از طبرستان بیرون کرد و حکومت علویان را تجدید کرد و به «الناصر» شهرت یافت. او در سال ۳۰۴ قمری در جنگ با سپاه سامانی کشته شد و دامادش حسن بن قاسم ملقب به **داعی صغیر** جانشین او شد (خضری، ۱۳۷۸: ۱۰۱). در روزگار حسن بن قاسم، **اسفار بن شیرویه** سربرآورد و بر طبرستان دست یافت. حسن بن قاسم با اسفار درآویخت اما در جنگ کشته شد و قلمرو او میان اسفار و سامانیان و زبیریان تقسیم شد و حکومت علویان طبرستان پایان یافت (همان جا).

نتیجه

جرقه حکومت علویان طبرستان در نتیجه یک قیام روستایی زده شد و آن واکنشی در برابر ظلم بی حد عمال طاهری به ویژه محمد بن اوس بود؛ قیامی که با خواست مردم به رهبری حسن بن زید علوی پیوند خورد. اوضاع جغرافیایی و اقتصادی طبرستان و همچنین اوضاع آشفته خلافت عباسی نقش مهمی در ظهور و تداوم حکومت آنان داشت. حسن بن زید پس از فتح طبرستان به اقامه کتاب خدا و امر به معروف و نهی از منکر با مردم بیعت کرد و به حکومت خود جهت دینی داد. وی به طور رسمی آداب و شریعت تشیع زیدی را در طبرستان رواج داد. علویان حدود ۵۳ سال بر طبرستان حکومت کردند و علاوه بر اینکه موجبات نفوذ قطعی اسلام و تشیع را در این منطقه فراهم آوردند، و طبرستان را دستخوش تحولات گوناگون اجتماعی و فرهنگی و مذهبی ساختند.